آمریکا و اروپا در کشتار غزه سهیم هستند

سیدکمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی: آمریکا و اروپا با حمایت تسلیحاتی، مالی و سیاسی از رژیم صهیونیستی در کشتار کودکان، زنان، سالمندان و افراد غیرنظامی سهیم هستند. اکنون وضعیت منطقه بسیار خطرناک و بحرانی است و در چنین وضعیتی هرآن احتمال گسترش جنگ وجود دارد.

رسوایی صهیونیست‌ها با تعداد شهدا

کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه و دبیر ستاد حقوق بشر: برخلاف ادعاهای صهیونیست‌ها و حامیانشان، شمار بالای شهدای غیرنظامی غزه عامل رسوایی و بی‌حیثیتی رژیم صهیونیستی است نه دستاورد آن. از طرفی اصول و گزاره‌های چهارگانه دکترین نظامی رژیم صهیونیستی در ۲ ماه گذشته ناکام ماند و تحقق نیافت.

چرا اسرائیل شکل گرفت و چگونه نابود خواهد شد؟

طرح ایران برای محو کردن اسرائیل

از حمایت و تقویت قدرت نظامی و امنیتی جبهه مقاومت تا نظرخواهی و همه پرسی از مردم فلسطین

ما برای فهم طرح راهبردی انقلاب اسلامی در ماجرای فلسطین و نظریه از بین رفتن اسرائیل نیاز داریم بدانیم که اسرائیل دقیقا به چه منظوری شکل گرفته است. فلسفه وجودی اسرائیل کمک می کند تا بدانیم که جبهه مقاومت دقیقا مشغول چه عملیاتی و در چه مرحله‌ای از نابودی این رژیم هستند.

سؤال این است که آمریکا برای پیشبرد طرح‌های استعماری‌اش چه نیازی به یک کشور مستقل به نام اسرائیل دارد؟

آیا وجود کشورهای وابسته به آمریکا مثل ایران قبل از انقلاب و کره‌جنوبی و ژاپن و... کافی نبود؟

آیا وجود نرم‌افزار آمریکایی اداره کشورها کافی نیست؟

سبک زندگی آمریکایی مردم کشورها دیگر برای استعمار کفایت نمی‌کند؟

دقیقا چه هدفی هنوز روی زمین باقی‌مانده است؟

به‌خصوص که تاسیس یک کشور آن هم به‌صورت غصب، بسیار هزینه دارد. هم هزینه‌های اقتصادی، هم نظامی و هم سیاسی. ولی آمریکا حاضر شده همه این هزینه‌ها را متقبل شود ولی اسرائیل تاسیس شود و بماند.

ما برای توضیح ایده استعماری انگلیس و آمریکا باید به این نکته‌ها توجه کنیم؛ نکته اول.

وابستگی اسرائیل به دولت‌های استکباری است، در ابتدای شکل‌گیری به انگلیس و در ادامه هم آمریکا، در واقع یک ایده استعماری است که اسرائیل را ایجاد کرده. باید دید نکات مدنظر انگلستان برای شکل‌گیری این کشور چه بوده:

۱ تقاطع میان هدف یهودیان متنفذ و انگلیسی‌ها برای تشکیل یک دولت در این منطقه

رهبر انقلاب به این تقاطع هدفی میان این دو جریان به روشنی اشاره دارند:

«اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که یک عده از یهودیان متنفّذ در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودی‌ها افتادند. از فکر اینها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البته آنها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آنجا را کشور خودشان قرار دهند. مدتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند لذا رفتند با ایتالیایی‌ها (که آن وقت طرابلس در دست آنها بود) صحبت کردند اما ایتالیایی‌ها به اینها جواب رد دادند، بالاخره با انگلیسی‌ها کنار آمدند. انگلیسی‌ها آن‌وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهم استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که اینها به این منطقه بیایند.»

ایشان در بررسی تاریخی شکل‌گیری این رژیم، به یک ایده تاریخی قابل تامل اشاره دارند و به فتنه صهیونیست‌ها اشاره می‌کنند: «اشغال این سرزمین براساس یک طرح چندجانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان و پیشگیری از تأسیس مجدد حکومت‌های قدرتمند مسلمان بود. دلایلی در دست است که نشان می‌دهد صهیونیست‌ها با نازی‌های آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله‌ای برای جلب ترحم افکارعمومی و زمینه‌سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیست‌ها بوده است. حتی دلایلی در دست است که عده‌ای از اراذل و اوباش غیریهودی شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند تا با پوشش حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، یک حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از ۱۳ قرن، یک گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند.»

۲ شکل‌گیری یک کانون قدرت آمریکایی در منطقه

اساسا جایگاه شکل‌گیری یک حاکمیت (تشکیل شده از دولت و ملت) در تحقق اهداف یک مکتب بسیار مهم است. تا زمانی که ارزش‌های آمریکایی (بخوانید استعماری) در حد نرم‌افزار و سبک زندگی و جریانات سیاسی فرهنگی است، قدرت نفوذ او هنوز به حد اعلی نرسیده است. باید یک منطقه جدید با تعریف جدید آنها بر محور یک کشور شکل بگیرد. اسرائیل باید محور این منطقه باشد. باید ارتباط با اسرائیل افتخار دولت‌ها شود. اسرائیل کشور موفق و قدرتمند منطقه باشد که شریان‌های اقتصادی و سیاسی به‌دست اوست.

این نکته هم در بیانات رهبر انقلاب مورد اشاره قرار گرفته است: «چندی است که صهیونیست‌های حاکم بر فلسطین، تزی را به نام «تز خاورمیانه جدید» مطرح کرده‌اند. خاورمیانه جدید، یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل به‌تدریج بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج‌فارس سیطره اقتصادی داشته باشد! این هدف اسرائیلی‌هاست. بعضی از دولت‌ها غافلند. وقتی به آنها اعتراض می‌شود، می‌گویند ما که رابطه برقرار نکردیم ما به تجّارشان اجازه دادیم بیایند! اتّفاقاً آنها همین را می‌خواهند. آنها می‌خواهند اسرائیل با حمایت آمریکا و با پشتیبانی از زرادخانه خطرناک خودشان، از غفلت و ضعف بعضی از دولت‌ها استفاده کند و به آنجا وارد شود و مراکز اقتصادی و منابع مالی را در دست گیرد. این خطر خیلی بزرگی برای منطقه است. بزرگ‌تر از همه خطرها این است. نقشه آنها این است که با تکیه بر اقتصاد بتوانند همه مراکز قدرت را در این کشورها در دست گیرند.»

۳ ایجاد تفرقه میان ملت‌های اسلامی

استعمار در مطالعات دقیق خود از کشورهای اسلامی به این نتیجه رسید که یکی از جدی‌ترین موانع برای چپاول ملت‌ها، بیداری امت‌های اسلامی براساس نظریه اسلام سیاسی است. مادامی که اسلام در میان ملت‌های اسلامی، زنده باشد و محور روابط میان امت اسلامی، همین هویت اسلامی باشد، دیگر اهداف استعمارگران عملی نخواهد شد.

«مسئله این است که دنیای استکباری، به سرزمین فلسطین به‌عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد، تا اسلام را بکوبد، ملت‌های اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود.»[۱]

بهترین راهبرد برای اینکه این قیام‌های عمومی ملت‌های مسلمان شکل نگیرد، ایجاد تفرقه میان ملل و مذاهب مختلف است. طبعا در بستری که کشورهای منطقه دچار اختلاف و طبعا ضعف می‌شوند، اسرائیل قدرت خود را بهتر و بیشتر بازمی‌یابد. دوری و نزدیکی به اسرائیل کانون اختلاف در منطقه می‌شود. به همین جهت است که عادی‌سازی روابط میان دولت‌ها و اسرائیل در کانون توجه اسرائیلی‌ها قرار می‌گیرد.

این نکته هم مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است: «رژیمی که به‌وسیله قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به‌وجود آمده است، اصلاً برای این به‌وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتحادی به‌خود ببیند؛ عزتی به‌خود ببیند؛ نگذارد مسلمان‌ها یک واحد عظیم تشکیل دهند که مبادا خطر بشوند. برای این اصلاً به‌وجود آمده است. از او می‌شود انتظار انصاف و عدالت داشت!؟»

روشن است که این برنامه‌های راهبردی جز با تاسیس یک کشور با جغرافیا و ملت و حاکمیت و... شدنی نیست.

پس در یک جمع‌بندی از ۲ سو، هویت و فلسفه وجودی اسرائیل روشن می‌شود: سوی اصلی آن تشکیل یک کشور به نام اسرائیل که نماینده همه تمدن غرب است در دل کانون قدرت مقابل دنیای غرب و سوی نتیجه آن یعنی ایجاد شکن در هویتی به نام امت اسلامی است.

براساس این فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی، در این نزدیک به نیم قرن، جریان انقلاب اسلامی و پس از آن به شکل واضح‌تری جمهوری اسلامی در خطوط ذیل مشغول پروژه نابودی گام‌به‌گام اسرائیل بوده است:

۱ ایران قوی

تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری یک نظامی مبتنی بر اسلام و مردم، خود یکی از محورهای مبارزه و تضعیف اسرائیل بود. چرا؟ روشن است که یکی از جدی‌ترین سیاست‌های آمریکا از تاسیس این رژیم، ترویج این گفتمان است که جز با ارتباط و اتصال با آمریکا و اذنابش نمی‌توان مسیر پیشرفت را طی کرد. تحقق انقلاب و پیشرفت ایران، رد عینی و نه فقط علمی این گفتمان است. تثبیت ایران قوی یعنی وجود یک الگوی عینی که فردای فلسطین و کشورهای اسلامی دیگر پیش روی همه آزادی‌خواهان و مبارزان قرار گیرد. ایران قوی یعنی راه سخت مبارزه، فردای مشعشعی به نام ایران دارد.

۲ تقویت جبهه مقاومت

آن نیروی درگیر با اسرائیل، جبهه مقاومت در منطقه است، سیاست قطعی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل قیام الله، عموم مردم که مبنای نظریه بدیع انقلاب اسلامی است، تقویت نیروها و هسته‌های مقاومت در منطقه است. این تقویت هم تقویت گفتمانی است همانگونه که اندیشه پشتیبان نیروهای مبارز فلسطینی پس از انقلاب از پان عربیسم و اختصاص مبارزه به یک اقلیت نخبگانی به مبارزه عمومی و انتفاضه اسلامی منجر شد. در این محور تمام تلاش جمهوری اسلامی این بود که در عین استقلال نیروهای مقاومت، از حمایت‌های همیشگی ایران بهره‌مند باشند. در اینجا این نکته حائز اهمیت است که اگر بنا شد استقلال این هسته‌ها را به رسمیت بشناسیم، پای اشتباهات آنها هم می‌ایستیم و حماسی که روزی پشت ما و سوریه را در ماجرای داعش خالی کرد، حماسی که از بمباران یمن توسط سعودی‌ها حمایت کرد، امروز کل جبهه مقاومت از ایران تا یمن پای کار او هستند.

رهبر انقلاب در جملات متعددی، این راهبرد را مورد اشاره قرار داده‌اند، اما یکی از شاخص‌ترین آنها مسلح شدن کرانه باختری بود: «این اعتقاد ما است که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطینند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش‌کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت.»

۳ وحدت امت اسلامی

فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی براساس ضعف کشورهای منطقه و اختلاف میان آنها پیش می‌رود. اساسا اسرائیل در بستر این دو ضعف خود را احیا می‌کند. وحدت امت اسلامی یکی از خطوط پرتکرار اندیشه رهبر انقلاب و راهبردی محوری در محو این رژیم غوغا سالاری است.

کنار گذاشتن اختلافات مذاهب و کشورهای مختلف، و تمرکز روی دشمن واحد تنها یک توصیه اخلاقی یا سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه سیاستی مهم در جهت محو اسرائیل محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

۱- بیانات رهبری در دیدار شرکت کنندگان کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین ۱۳۷۰/۷/۲۷

نابودی اسرائیل از دیدگاه امام(ره) و رهبر انقلاب

گزارش
مهدی شبان
روزنامه‌نگار

از همان روزهای اول که رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه فلسطین جای گرفت و دست به جنایت علیه مردم فلسطین زد، مورد توجه بزرگان اسلام قرار گرفت. حضرت امام(ره) در این‌باره می‌فرمایند: «من همانگونه که بارها و در سال‌های گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجددا خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم.» حمایت قاطع از مردم مظلوم فلسطین از سیاست‌های کلی و عقیدتی نظام است[۱]. این حمایت با نابودی اسرائیل محقق می‌شود «ما راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم.»[۲] البته این نابودی از موضع یهودستیزانه نیست برخلاف جمال عبدالناصر که شعار می‌داد ما یهودیان را به دریا می‌ریزیم «نظر جمهوری اسلامی به دریا ریختن کسی نیست.»[۳] طرح نابودی اسرائیل شامل عناصری است که برخی از مهم‌ترین این عناصر را مرور می‌کنیم:

تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان

از آنجا که نابودی اسرائیل مرتبط با تمامی مسلمان جهان است لذا حضرت امام(ره) تأکید داشتند برای نابودی اسرائیل لازم است «هسته‌های مقاومت حزب‌الله»[۴] شکل بگیرد تا از همه طرف به او فشار آید، به برکت انقلاب، امروزه در کشورهایی مثل لبنان، عراق، سوریه، ایران، پاکستان، یمن و... نیز در داخل خود فلسطین چنین هسته‌های مقاومتی شکل گرفته است و لازم است بیشتر هم شود.

وحدت امت اسلامی و قیام مردم منطقه

وحدت از نقاط برجسته اندیشه رهبران انقلاب است و در رویارویی با جبهه کفر نیز اهمیت این موضوع مضاعف می‌شود. دوری از اختلافات و ید واحد شدن کشورهای اسلامی و منطقه در حمایت از فلسطین و عزم بر نابودی اسرائیل به‌عنوان دشمن منطقه‌ای می‌تواند فشار ویژه‌ای را بر این رژیم تحمیل کند. دولت‌های اسلامی نیز در این راستا باید به یک وفاق و اتحاد برسند و از کمک‌های مالی و نظامی و معنوی به فلسطینیان دریغ نکنند.[۶] این وحدت برای تقویت گروه‌های مقاومت بسیار ضروری است.

تقویت قدرت نظامی و امنیتی جبهه مقاومت

اسرائیل با قدرتی که دارد باعث شده که برخی کشورهای منطقه تابع و هماهنگ او باشند چرا که این کشورها به خاطر ضعف قدرتی خود ناخودآگاه دلبسته یک قدرت برتر خواهند بود. از طرفی اسرائیل با این قدرت نظامی ۷۵ سال توانسته گروه‌های فلسطینی را منکوب کند و نگذارد گروهی قدرت بگیرد. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند «تا وقتی که این رژیم جعلی سرپا است و نابود نشده است، علاج، مقاومت قاطع و مسلحانه در مقابل این رژیم است.»[۵] لذا تقویت قدرت نظامی و امنیتی جبهه مقاومت برای تضعیف قدرت اسرائیل لازم است.

همه‌پرسی و رفراندوم

طی سال‌های متمادی اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها با طراحی و پشتیبانی استعمار و استکبار، راه‌حل‌های گوناگون مبتنی بر ایده مذاکره و صلح با رژیم غاصب صهیونیستی برای حل مسئله پیشنهاد و بعضا در صحنه عمل نیز دنبال شده‌اند. راهکارهایی که همواره در صحنه عمل با شکست مواجه شده‌اند اما نظام اسلامی راه‌حلی مشخص و مردم‌سالارانه برای حل مسئله فلسطین و از بین رفتن رژیم جعلی دارد دراین باره می‌فرمایند: «راه‌حل منطقی راه‌حلی است که همه وجدان‌های بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند... راه‌حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند... از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده‌اند (چه مسلمانشان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان) نظرخواهی شود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند... آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره کسانی که بعد از سال ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند.»[۸] «این همان نابود شدن و از بین رفتن رژیم باطل و جعلی صهیونیستی است.»[۹] صندوق انتخابات تیر خلاص بر پیکره اسرائیل است.

تجهیز کرانه باختری به‌عنوان پهلوی آسیب‌پذیر اسرائیل

کرانه باختری جایگاه ویژه‌ای دارد، بیت‌المقدس در آنجاست و مسئله شهرک‌سازی در آنجا بیشتر رونق دارد همچنین عمق حقیقی رژیم صهیونیستی نیز در کرانه باختری واقع شده است که یهودیان در کتاب‌هایشان به یهودا و سامره می‌شناسند. رویارویی حقیقی زمانی است که مقاومت در کرانه باختری احیا شود. همانطور که خاستگاه مقاومت فلسطینیان اینجا بود. اسرائیل از جنوب توسط یمن و از شمال توسط لبنان و از غرب توسط مقاومت غزه تحت فشار است. در راستای عنصر قبلی اگر از جانب شرق یعنی کرانه باختری نیز این فشار مضاعف شود، اسرائیل در یک دایره مقاومت اسیر خواهد شد لذا سال‌هاست که رهبر انقلاب معتقدند: «کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود و فلسطینی‌ها بتوانند قدرت‌نمایی کنند.»[۶] و حتی آن را برای نابودی اسرائیل استراتژیک می‌خوانند. چرا که تسلط کرانه بر اسرائیل بسیار بیشتر از غزه است. اینجاست که در کنار تقویت روحیه مقاومت در کرانه باختری که جمعیت آن بیشتر از غزه است، باید تجهیزات نظامی نیز در این منطقه افزایش یابد. اصطلاحی در میان خود اسرائیلی‌ها وجود دارد که براساس آن از کرانه باختری به‌عنوان «پهلوی آسیب‌پذیر اسرائیل» یاد می‌کنند. بسیاری از کارشناسان نظامی بر این باورند که اگر دامنه جغرافیایی جنگ به کرانه باختری هم برسد، اسرائیل نمی‌تواند با کرانه باختری دربیفتد.

فشار اقتصادی و قطع شریان‌های حیاتی اسرائیل

اسرائیل رابطه خوبی با برخی کشورهای منطقه و عربی داشته است و بخش خوبی از اقتصاد او در این ارتباطات تعریف شده است. هم به لحاظ تأمین سوخت و مواداولیه کارخانه‌ها و موادغذایی که از کشورهایی مثل ترکیه و عربستان استفاده می‌کند و هم به لحاظ بازار مصرف کالاهای اسرائیلی که به این کشورها صادر می‌کند. بعد از طوفان الاقصی رهبر انقلاب برای فشار مضاعف بر اسرائیل درخواست جدی کردند تا شریان‌های حیاتی این رژیم ازجمله نفت و ارزاق قطع شود.[۷]

طرح نابودی اسرائیل

چون «اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان‌زور، چیز دیگری نمی‌فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم نمی‌شود حرف زد.»[۱۰] لذا «مبارزات همه‌جانبه ملت فلسطین (مبارزات سیاسی، مبارزات نظامی، مبارزات اخلاقی و فرهنگی) باید ادامه پیدا کند تا کسانی که غاصب فلسطین هستند، تسلیم رأی ملّت فلسطین بشوند.»[۱۱] و راهبرد مبارزه و مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران در این زمینه بسترسازی برای عملی‌شدن راه‌حل مردم‌سالارانه برای حل قضیه فلسطین است: «در مقابله با رژیم صهیونیستی، باید از سوی فلسطینی‌ها دست قدرت نشان داده بشود.»[۱۲] در حقیقت چون اسرائیل زیر بار راه‌حل مبتنی بر مردم‌سالاری نمی‌رود «باید این اراده به آن تحمیل شود و اگر این طرح دنبال شود که ان‌شاءالله دنبال خواهد شد و اگر هسته‌های مقاومت، اراده و عزم خود را به‌طور جدی دنبال کنند، این هدف محقق خواهد شد.»[۱۳] «تجهیز کرانه باختری» و «قیام» و «مقاومت» متحدانه دولت‌ها و ملت‌های منطقه که در رأس‌شان «ایران قوی» است، همه به این راهبرد کمک می‌کنند تا با تضعیف مشروعیت اسرائیل در فاهمه جهانی، زمینه‌های همه‌پرسی فلسطینی و خروج و نابودی اسرائیل شکل گیرد.

ایران قوی حامی جبهه مقاومت

تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری یک نظام مبتنی بر اسلام و مردم، خود یکی از محورهای مبارزه و تضعیف اسرائیل بود. چرا که شکل‌گیری یک نظام اسلامی و قوی نشان داد که بدون وابستگی به آمریکا و اذنابش می‌توان مسیر پیشرفت را طی کرد و این کار با مقاومت و استقامت علیه مستکبرین شکل گرفته است. ایران الگویی عینی برای همه آزادی‌خواهان و مبارزان است تا آینده خود را در آن ببینند. ایران قیام کرده، پشتیبان همیشگی جبهه مقاومت بوده است و قوی شدن آن، علاوه بر گستردگی حمایت‌ها، روحیه مقاومت را به‌صورت مضاعف در این جبهه تزریق خواهد کرد هرچند که این حمایت‌های ملموس و غیرملموس به‌گونه‌ای رقم خورده که کمترین آسیب به کشور وارد شود. افزون بر این نبرد فلسطین و اسرائیل، نبرد جبهه حق و باطل است که ایران اسلامی حامی فلسطین و آمریکا حامی اسرائیل است و در واقع این نبرد به ایران هم مرتبط می‌شود چنانچه که بارها نیز مسئولان جمهوری اسلامی به این حمایت تصریح داشته‌اند لذا تقویت رأس این جبهه بسیار لازم است.

از بین بردن مشروعیت اسرائیل در نهادهای بین‌المللی و اذهان عمومی جهان

اسرائیل توانسته است خود را به‌عنوان یک کشور در بین فاهمه منطقه‌ای و بین‌المللی جا بزند. در شورای امنیت و... رأی دارد و حامی. بسیاری از کشورها با او مبادله اقتصادی و سیاسی و توریستی دارند. آن را به‌عنوان یک کشور می‌شناسند حتی اگر جنایتکار و کودک‌کش بپندارند. رهبرانقلاب در مواضع متعدد تأکید کرده‌اند که کشورهای اسلامی آنقدر جنایات این رژیم را فریاد بزنند که ذات نامشروع آن بر احدی پنهان نماند و هویت جعلی و غاصبانه اسرائیل هویدا شود و همچنین حمایت بی‌چون و چرای سازمان‌های بین‌المللی از این رژیم زیر سؤال برود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رهبر انقلاب ۸۸/۱۲/۸
۲. رهبر انقلاب ۷۰/۵/۲۸
۳. رهبر انقلاب ۱۴۰۲/۹/۸
۴. امام خمینی ۶۶/۵/۶
۵. رهبر انقلاب ۹۵/۳/۱
۶. رهبر انقلاب ۸۰/۲/۴
۷. رهبر انقلاب ۹۳/۵/۱
۸. رهبر انقلاب ۱۴۰۲/۸/۲۸
۹. رهبر انقلاب ۸۰/۱/۱۶
۱۰. رهبر انقلاب ۹۷/۳/۲۵
۱۱. رهبر انقلاب ۷۰/۷/۲۷
۱۲. رهبر انقلاب ۹۸/۳/۱۵
۱۳. رهبر انقلاب ۹۳/۵/۱
۱۴. رهبر انقلاب ۱۴۰۲/۹/۸